

علی غفاری، کارگردان بچه مهندس ۳ در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# جواد نماینده جوانان پرشور و بانگیزه است

سیدمحمد موسوی‌نثار روزنامه‌نگار

سرپال‌هایی که عمرشان در فصل اول هم ادامه‌ی پدما می‌کند حالا دیگر بیش از آن‌گشتستان دوست‌شده‌است و یک پدیده عجیب تلقی نمی‌شود. سرپال‌ها بچه مهندسی یکی از همین نمونه‌هاست که طی سه سال، سه فصل از آن شبکه دو پیش‌شد و اتفاقاً مورد توجه هم قرار گرفت. البته نقدها و حاشیه‌ها بی‌پروایان این سرپال کم نکرده‌اند، اما در مجموع بیننده‌هاست و جمعیت قابل قبولی را با تلویزیون می‌نسانند. ارائه یک الگوی مناسب برای جوانان در سنتر سرپال و فیلم سینمایی، اتفاق تازه‌ای نیست و در همه کشورها شاهد ارائه یک الگوی جوان، قوی و همه‌چیزدان برای دختران بومیوم و حالا به نوبت به جواد جواد ی‌بود که فارغ از اسم انتخابی گلیشاهی، رفتاری شبیه به پیشین‌ها خودسر سرپال‌ها داشته‌باشد. سرپال‌بچه‌مهندس را باید در مجموع سه فصل تحلیل کرد. اما بالا و پایین آمدن کیفیت سرپال‌ها در فصل‌های مختلف و حتی در قسمت‌های در هر فصل نشان از نبود یک دست‌فرمان کلی دارد. سرپال‌های ماه مبارک رمضان سال ۹۹ در مجموع قابل دفاع نبودند، اما با همه این حرف‌ها، بچه مهندسی ۳ یکی از مجموعه‌هایی بود که تا حدودی مورد استقبال عمومی قرار گرفت و دیدل شد. دربراه این سرپال با علی غفاری کارگردان این مجموعه گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

\*\*\*

به عنوان سوال اول آبی در خصوص پروسه تولید سه فصل بچه‌مهندس بگویند. آیا در قسمت‌هاست که وقتی فصل یک «بچه مهندسی» را می‌ساختید، ساخت بانی فصل دوم و سوم را هم داشتید؟

نه. قرار این بود که سرپال‌ی ۲۵ قسمتی ساخته شود و از ابتدا تا انتها پیش‌شد. در واقع داستان دربار جوان موقی بود که زندگی او را می‌دیدیم و اینکه بخش‌های کودکی و نوجوانی‌اش با صورت فلانی یک در سرپال می‌دیدیم. چون فیلمنامه ما ادامه نبود، تصمیم

گرفته‌ام ابتدا بخش‌های فلاش‌بک را که دوره کودکی جواد جواد ی‌بود، بعد ضبط کنیم. بعد از ساخت همین قسمت‌ها دیدیم، کار خداسو دانشین‌شده و ظرفیت یک فصل مستقل را در ذهنم داشتم. اول «بچه‌مهندسی». داستان چون به‌صورت خیلی پیش می‌رفت برای فصل دوم قسمت نوجوانی را آماده کردیم و بخش سوم هم سرآغاز جوانی «بچه‌مهندسی» رفتیم. در کل، سه بخش حدوداً ۳۵۵ قسمتی شد.

شخصیت جواد جواد ی قرار است به‌عنوان یک جوان انقلابی مومن مطرح شود و آنچه باید باشد، یا آن چیزی که هست را تصویر کردیم. روایت هم به نسبت فصل یک متفاوت بود. یکی دیگر از دلایلی که روایت در فصل دوم کمی متفاوت‌تر از فصل‌های پیشین‌شده، خط‌افزین بود که سرآغاز پدیده‌ای به نام کواد کوپتر رفتیم و اقتضای قصه، چنین بود که برای اکثریتی سرپال می‌سازیم که علاقه‌مند به پرداخت ریز به ریز اتفاقات این شخصیت‌سعی کردیم براساس یک‌دفنگذاری پیش‌بروریم. برای طراحی کار این هدف را داشتیم که تصویری از عزت و غرور ملی ارائه کنیم، ولی مسیر پیش‌رو، هنوز روشن نبود، چون فیلمنامه داشتیم و فصل اول را داشتیم و به‌مرور حین تولید مشغول نگارش فیلمنامه هم شدیم. می‌دانستیم، به‌کجا قرار است برسیم، ولی اینکه چگونه قرار است به این نقطه برسیم حین کار شکل گرفت و کشف و شهودی بود که در مسیر تولید اتفاق افتاد.

یکی از نقدهایی که درمورد سرپال مطرح می‌شود، مربوط به شخصیت جواد جواد ی است که چرا هیچ خط و خطایی از این شخصیت نمی‌بینیم. یک معلم است برای بچه‌ها، یک مربی برای دانش‌آموزان و در یک کلام، یک قهرمان بی‌ایراد.

البته بگویم جواد جواد ی در حین داستان، هم دچار لغزش‌هایی شد، اما عامل اصلی موفقیتش شخصیت‌مانند حقیقه و پاپاسامیل بود که او کوگی مراب و نگارش بودند و هادیش می‌کردند. طبیعتاً سابقه مثبت و مثبت‌اندیشی‌اش غلبه می‌کرد بر اشتباهاتش. ولی همین جواد جواد ی را می‌بینیم که عشق چشمشمان را زیر کرده بود و امکان داشت تصمیم نادرستی بگیرد، ولی از جایی به بعد در بخش می‌آمد و بیدار شد و مسیر نهایی‌اش را انتخاب کرد. جواد جواد ی با مکتوب نبود، ولی به‌عنوان نمادهای از جوان‌های صادق، پرشور، باانگیزه بود. ما سعی کردیم چنین شخصیتی را طراحی کنیم تا برای تماشاگران جذاب و دلنشین باشد.

نگاه به منافع و امنیت ملی به‌خوبی در سرپال دیده می‌شند و جواد جواد ی در فصل اول از داستان‌های فضایی خیلی کنسور شد. تصویری که از دانشگاه نشان دادید، خیلی متفاوت است از تصویری که امروز ما در دانشگاه داریم. چقدر موافق این نقد به نظر می‌آید؟

و اینکه چگونه می‌بینید، این‌گونه نگاه‌شده‌است که نیاز دارد. ما باید یک نمایش طریقم. نیاز دارم و قصه‌ای که تعریف می‌کنیم ما می‌گوید که چقدر باید به حوزه تخصصی خود حرف ورشته علمی نزدیک شویم. اگر سینمایی موفق دنیا را که سرآغاز زندگی دانشمندی مثل اینشتین رفتند هم‌بینید، این‌گونه نگاه‌شده‌است که نیاز دارد. ما تخصص علمی وقتی نمی‌شوند و کالبدشکافی نمی‌کنند و قرار نیست یک کار علمی تخصصی بسازیم. اگر قرار بود یک کار علمی صرف‌بسیاری‌الی بسازیم که سرآغاز کواد کوپتر و جنگ الکترونیکی بود قطعاً شکل سرپال فرق می‌کرد و داستان هم متفاوت‌تر می‌بود

وقتی سه قسمت بچه مهندس را که کنار هم بگذاریم با سه

شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۹ شماره ۳۰۳

# ۱۲

شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۹ شماره ۳۰۴

# ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲



از سرپال رخ داده که مورد اخیرش، بخش موسیقی پاپی سرپال است. ادعا می‌شود که موسیقی تیتراژ آخرین قسمت سرپال، همخوانی یک خواننده سل‌تولسی را دارد و جنم‌ال دیگر هم درمورد خواستگاری خانم لیسر چون بود که در قسمت‌های میانی سرپال شاهدش بودیم. درمورد این دو جنم‌ال هم توضیح می‌دهید؟

در مورد جنم‌ال اخیر، به‌طور دقیق از خواننده‌اش مطلع نیستم. این ترانه مشهورترین حماسی‌ماست که نخستین اجرای آن متعلق به استاد بنان است و سابقه تاریخی سوره‌شدن آن را هم می‌داند. اگر بنا به‌نظر خودم بود دوست داشتم که سوره‌ای از ایران، استاد بنان بود اجرای آن سوره‌د خلسی خاطره‌انگیز بود، اما چون ملودی‌تولیزون مایل بود اجرای آن سوره‌ توسط یک خواننده باشد؛ در نهایت تصمیم بر همین شد. خوانی آن تلویزیون پیش‌شد که البته هیچ خواننده‌ای ندارد و بیشتر همخوانی آن سوره‌د، مدنظر ما بود.

نسخه تیتراژ پاپی سرپال را صداسو انتخاب کرده بود؟

نه، این نسخه‌ای که بخش‌شد انتخاب خودم بود، ولی بیشتر همخوانی سرود مدنظر ما بود و هیچ طالعاری از متن اصلی این نسخه‌داشتم و فکر نمی‌کنم

### بچه مهندس ۲

فصل دوم بچه‌مهندسی به‌دوران نوجوانی جواد جواد ی اختصاص داشت. دورانی که در کنار اتفاقات بزرگ، شاهد سکه اصلی داستان قسمت دوم را می‌ساخت. زمان شروع این فصل سال ۸۳ است و جواد که همچون کودکی‌اش کنج‌کاو است در این فصل به‌دلیل هوش اصلی خود است، نام‌نمایی از یافتن سرخه کوچک از مادرش گنجینه پدرش که گمان می‌کند صورت زنده‌اش به‌جست‌وجو می‌پردازد تا به راز گنجشده خود بی‌برد. این از گشایی فقط محدود به هوش خود نمی‌شود، او با نظر گرفتن با ساسامیل و شاه‌هایی از سرلنگ، بی‌به هوش اصلی با ساسامیل می‌برد. در میانه گنج‌کاوی‌های نوجوانانه یافتن حقیقت، بر آن می‌شود تا سرآغاز دوره کودکی‌اش مرور کند. فرزند خوانده خانواده منقول عباسی شده‌است، هوش و قول قرار کوگی را به دست می‌دهد و خانواده عباسی به‌بازی می‌کند. جواد با یافتن حقیقت در سرپرستان مرگان دوباره با شروط دیگر خانواده عباسی روبرو می‌شود. او برای رسیدن به مرگان باید به قافونی و عقلی رسیده و در دانشگاه معتبری قبول شود. جواد در ۱۸ سالگی پس از قبولی با رتبه خوب در کنکور، آن هم در دانشگاه امیر کبیر، باورنامه اعلام نتایج پذیرفته‌کنکور نزد مرگان و خانواده‌اش می‌رود تا به آنها بگوید که به‌بعد خود وفا کرده و نوبت آنهاست که به کار خود عمل کنند. اما باز با مانع جدیدی روبرو می‌شود. خانواده عباسی قصد رفتن به کشور آمریکا را دارند و جواد و مرگان در فرودگاه با یکدیگر جداحافظ می‌کنند و مرگان به او قول می‌دهد که پایان داستان این دو خوش‌است… داستان فصل دوم بچه‌مهندس در ۳۲ قسمت تهیه شد و زمستان ۹۷ از شبکه دو پخش شد. سیما آیت‌زاد، آندیشه فولادوند و علی ایوسوند بازیگرانی بودند که به فصل دوم اضافه شدند. این فصل برخلاف فصل اول حاشیه‌های زیادی نداشت و بدون سروصدا روی آنتن رفت و نسبت به سری قبل و بعدی خودش بینندگان کمتری داشت.

### پیش‌تازای چرنوبیل در بقای ۲۰۲۰

سرپال درام «چرنوبیل» محصول آبی او اسکاکی با کسب نامزدی در ۱۴ بخش ازجمله بهترین مینی‌سریال، در میان جوایز بقای تلویزیونی پیش‌تاز شد. چرنوبیل با این رقم نوبسته‌است در کردگی که سال پیش کشتن او در تاریخ این جوایز به‌جای گذاشت و در ۱۴ بخش نامزد کسب جوایز بوده‌است. تالار گزین، نیز در سال ۲۰۱۶ موفق به کسب نامزدی در ۱۰ بخش شده‌بود. اسلار در میان نامزدهای ۲۲۴ درصد شانس دریافت جوایز به‌چهره‌های رنگین‌پوستی مطرح ایلاس، کارگردانی «دنوین» گرم‌چهره و موسیقی متن «مکاسی» نور، طراحی تولید، میوه بازیگران، صدا، جلوه‌های ویژه، نویسندگی، بازیگر اصلی مرد برای جارد هنری، بهترین گروه سرپال و درازتر مدت‌زمان تکمیل برای اسلان اسکرگارد است. در همین حال نام بچه‌محول تفلیس نامزد کسب هفت جایزه در بخش‌های مختلف بقا شد و سرپال «فلم فلیگ» و بازیگران بچه‌محول بی‌بی‌سی و آر‌تی‌وی و تیزر، و دقیقه‌ششم و تفلیس نیز هر یک ۶ نامزدی به دست آوردند. نیروی اهریمنی او اقتصادی از زمان فیلم پاولم محصول بی‌بی‌سی و آبیچی و او و فضیلت‌ها) به فلم شین میجر و جود نرون برای جتل چهار نیز در پنج بخش شانس دریافت بقا را کسب کردند. «کشتن ایوه» اسلار در چهار شاخه نامزدی بقا را کسب کرد. به‌جز کشتن او در اسلار فهرست نامزدهای بقای تلویزیونی، تاچ سال ۲۰۱۷ نوبسته بود ۱۳ نامزدی کسب کند و در سال ۲۰۱۸ نیز در ۱۰ بخش نامزد شده‌بود. «تالار گزین» نیز در سال ۲۰۱۶ موفق به کسب نامزدی در ۱۰ بخش شده‌بود. اسلار در میان نامزدهای ۲۲۴ درصد شانس دریافت جوایز به‌چهره‌های رنگین‌پوستی داده شده‌است. در مجموع میان نامزدهای اسلار شبکه بی‌بی‌سی ۷۹، شبکه اسکاکی ۲۵ و تفلیس ۲۴ نامزدی بیشتر این نامزدی را به خود اختصاص داده‌اند. در حالی که قرار بود طبق برنامه تعیین‌شده جوایز بقا در بهار ۲۰۱۸ آماده شود، معرفی نامزدها و اهدای جوایز به‌دلیل تبعوع کرونا ویروس به تعویق افتاد. اکنون اهدای جوایز توزیع می‌شود ۱۲ جوایز ۲۰۱۷ (مرداد) و ۱۰ جوایز ۲۰۱۸ (مهر) در ۱۷ جولای (۲۷ تیر) انجام می‌شود. هر دوی این رویدادها در استودیوهای خالی و با رعایت فاصله اجتماعی برگزار می‌شود و نامزدها جویش‌شان را به‌صورت مجازی دریافت می‌کنند.

مؤثر هستند. حالا اینکه صحنه شلوغ بود یا نبوده به اقتضای داستان متفاوت است.

البته یک‌سری نقدهایی هم در حوزه فنی و مهندسی به بچه مهندسی مطرح شده‌بود. اینکه گفتند نبود. اینکه گفته می‌شود سطح و ابعاد موازی این صحنه کار را پیچیده می‌کرد. به هر حال با سعه‌های سرپال به لحاظ جذب مخاطب قابل قبول باشد.

بود که برای بچه‌مهندسی «طراحی شده بود. ما نیاز دارم از تشخیص می‌دهیم و سعی می‌کنیم تا جایی که برای مردم عمو قابل قبول باشد، به مسائل فنی نزدیک کنیم. امکان دارد متخصصان هم در این نقطه‌ای به مسائل اشکال بگیرند، ولی این را باید در نظر گرفت که برای اکثریتی سرپال می‌سازیم که علاقه‌مند به پرداخت ریز به جزئیات تخصصی نیستند و ممکن است حوصله‌شان سرود که چرا سرپال شده کلاش طراحی کواد کوپتر. در واقع ما عناصر مایشایی اثر، رقابت و شکست‌ها و پیروزی‌های قهرمان سرپال کار داریم. این نکته را هم بگویم که این امکان را داشتیم که به جای کواد کوپتر به‌سرآغاز یک کار عظیم خیلی تقلیل داده شد. سوال این است که برای این کار مشاور فنی هم داشتید و املا ضرورتی داشت که به این مسائل هم ورود کنید؟

ما باید یک نمایش طریقم. نیاز دارم و قصه‌ای که تعریف می‌کنیم ما می‌گوید که چقدر باید به حوزه تخصصی خود حرف ورشته علمی نزدیک شویم. اگر سینمایی موفق دنیا را که سرآغاز زندگی دانشمندی مثل اینشتین رفتند هم‌بینید، این‌گونه نگاه‌شده‌است که نیاز دارد. ما تخصص علمی وقتی نمی‌شوند و کالبدشکافی نمی‌کنند و قرار نیست یک کار علمی تخصصی بسازیم. اگر قرار بود یک کار علمی صرف‌بسیاری‌الی بسازیم که سرآغاز کواد کوپتر و جنگ الکترونیکی بود قطعاً شکل سرپال فرق می‌کرد و داستان هم متفاوت‌تر می‌بود

وقتی سه قسمت بچه مهندس را که کنار هم بگذاریم با سه

# فرهنگ

www.fdn.ir

# قاب کوچک برای قهرمانان جوان

راش‌نویسم که باید جان‌شان حفظ شود. دکتر کارنسل حیدر جدید «بایگ‌دار»؛ مردی از نسل جوان امروز نشان داده می‌شوند. در مقایسه این دو نسل به‌وضوح دیده می‌شود که نسل جدید از کماکش تردیدها عبور می‌کند و نسل گذشته برای عبور از چنین چرانی کسوت معلمی آنها را دارد. ابتدا به‌نظر می‌رسد در نسل جدید، روحیه انقلابی دیده نمی‌شود؛ و آنها چیزهای دیگری برایشان است. اما مقوله سرپال امروز و دیروز این نکته را آشکار می‌کند که نسل امروز نیز به مراتب تازنده‌ا اما آینده ایران و جمهوری اسلامی، به همین نسل بستگی دارد. آنها باید بیدار شوند و در با نگار حیدر ذبیحی با به خطر انداختن جان خود سعی می‌کنند آنها را بیدار کند. جدید حیدر درخبران این فیلم، خودش می‌رود و آنچه باقی می‌ماند نقش قهرمانی است که این بار در نسل جدید آینه شده‌است.

«بایگ‌دار» حاتم‌ی کاسرشار از نامه‌واستاره‌است و روح صحنه از آن پیام‌های زیادی درخود دارد. این فیلم با تمام ضعف‌ها قهرمانان شاید ناراضش، به آینده امیدوار است. زیرا عقابت، شجاعت و ایثار از نسل تیزور به نسل امروز منتقل نشده‌است. نسلی که با علم و دانش باید به مقابله دشمن برودند. قهرمانان جدیدی که لباس‌شان مثل خودشان شده‌است. باید آنها را برای کشور حفظ کنیم. حاتم‌ی در نشتی که برای فیلمش برگزار شد درباره شخصیت حیدر و فداکاری‌ای که او برای قهرمان جوان فیلم انجام می‌دهد، گفته‌است: «درست‌گاری این آدم در جایی‌است که می‌بینیم هم‌درد و موقعیت‌ش خورد با او قرار می‌گیرد و می‌فهمد که اگر به جایش برسد، پای آنچه که باید هم جاش را می‌دهد. او همچنان فدایی است و خودش را فدایی می‌داند، ولی بیرون باید یک چیزی رخ بدهد. اتفاقا جایی که از مضم دفاع می‌کند مسئولیت رسمی ندارد و همه هم‌راهی‌اش را هم گرفتند.»

**یادآوری یک نکته خاص**

این فیلم در سال گذشته از تلویزیون پخش شد و بینندگان زیادی داشت و توانست در مدت زمان پخش سرپال خیلی‌ها را با خود همراه کند. سرپال «گاندو» بود، سرپالی که حاشیه‌های زیادی هم داشت، اما آنها تأثیری روی مخاطبان سرپال نداشت، بلکه آن را بیشتر هم کرد. جواد افشار کارگردان این سرپال درباره ساخت موضوعی به این حسی‌س که بالاخره به‌توافق ملی کشور برمی‌گردد، گفت: «شاید در ۱۰ سال گذشته سر موضوع جاسوسی و این دست موضوعات نداشتیم که رژیسی جیمور یک کشور بخواد به آن ورود کند. اما این موضوع آنقدر مهم بود که چنین اتفاقی افتاد، پرونده جیسون رضایان نشان دهنده ظلمی بود که به مردم ما می‌شد. در کنار نشان دادن پرونده رضایان نیز داستان‌هایی را که همگی واقعی هستند با تغییر نام و اسامی آوردیم. این داستان‌های مختلف نشان‌دهنده رخنه و نفوذ ویژه‌ای است که در سال‌های گذشته اتفاق افتاده‌است و در این بخش باید از آرش قادری و جواد افشار که با سعه‌صدر خود این

تیب و شخصیت‌مأمور امنیتی در روز صفر درای اعدای مانند شجاعت، هوش، به‌نام‌ریزی و کار تیمی و جمعیت است. مسائلی که شاید تا قبل از آن خیلی به آن توجه نشده‌بود. اما است که ماجرای فیلم که همان قسمتی‌ریگی است که در سرپال را مخاطب می‌داند، اما کارگردانی قابل توجه سعید ملکان باعث شده بدون اینکه بخواید نگاه‌تان میخوبد به سینه سینما می‌شود تا قهرمانی را ببینید که برای دستگیر ریگی به همه جاسرک می‌کند از همین کشورهایی همسایه با او با خیلی‌ها جای‌های دیگر تا زمانی به هدفت برسیم. قهرمانی که به‌معنای واقعی کلمه مثل در است و پراش می‌نویس نیست که استمش در همه‌جا پیچید که او بوده‌است که این کارهای مهم را انجام داده، او آرزو دارد در راه وطنش جان بدهد، اما در همان دایالوگ آخر فیلم می‌گوید: «میدورم کلامه‌ای که می‌خواهد هم به بخورد، جویری باشد که صدایش، هوسطنم را آشفته کند و او را آرامش باشد.»

**مختلف پرواز م‌سوع**

«به‌ری که هادی جزایز فر نشن آن را بازی می‌کند، به سوره‌ای فته است و پسر او به همراه دو نفر از دست‌های همین‌سوالش برای شرکت در یک مسابقه فناوری روی ساخت یک پهپاد کار می‌کنند. اتفاقات در سوتالی سربیز رخ می‌دهد و یکی از دانشمندان میانی هواپروای که در همه اطراف قرار دارد، در طراحی پهپاد به این بچه‌ها کمک می‌کند. خانواده قدیمی این هوسا که انقلاب باعث شده‌است و سوبوایی قدیم را در منطقه نداشتند، باشد، همراه کینه‌های قدیمی از روز مدافع حرد وارد روستا می‌شود و به پنهان‌پیدا شدن بوزینگ ایرانی، بخش‌های ای روستا را بار قرار دادن تالوهای ورود مکتوب در کنترل خود می‌آورد. قضیه کم کم شک کوکان دانشمند روستا را برمی‌انگیزاند و اتفاقاتی رخ می‌دهد… این اولین فیلم‌بند امیر داسرگ است که از گفت‌گفت‌ها جنون‌ه‌عمار، حساب می‌آید. کوزاویزی‌مژدن نشان می‌دهد سینمای ایران می‌داند با کارگردان آینده‌داری روبرو شود. فیلم در فضای جاسوسی، بحث‌های لیدئولوژیک، چشم‌اندازهایی از نسل آینده و البته محیط اصلی و خانوادگی این سری می‌کند و با پهپاد و جاسوس محیط‌زیستی و فناوری و تهران و ماهواره‌ای و بسیاری از مسائل لیدئیتیکی درگیر می‌توسط است. درازگر در فیلمش از تهران فاصله گرفته و فضای آن به‌طور کلی از کشته‌های رایج در سینمای ایران زایل شده‌ارد. او در منطقه نواز م‌سوع و خالی از افراد نیست که در صورت مکتوب بالاتر کارگزاران و جود امکانات بیشتر، ممکن بود وجود نداشته‌باشند. اما این فیلم ایده‌هایی را هم برمی‌انگیزاند و در ضمن، این‌ها با همین کیفیت برای مخاطبان بسیاری از نسین مختلف، مخصوص نوجوانان، جذاب و دیدنی‌است.

داسرگ، کارگردان این فیلم درباره آرزویشان داشتن نوجوانان هم‌هوش‌های معتقد است که آنها آرمان دارند و البته با نسل ما متفاوت هستند و می‌گویند: «من به خیلی از نوجوانان روبرو می‌شوم که آرمان‌شان هستند. آرمان لوزما به نسل ما نیست که ما می‌خواهیم بچه‌های اسلام را بزنیم و قله جهان، یعنی ولی‌خو شده‌ها و برنامه‌های مختلفی دارند، اتفاقا بچه‌ها هستند که خیلی به آینده فکر می‌کنند. خیلی بیشتر برای آن آرمان را می‌خواهند که فقط انقلابی بینیم که از نوع انقلابی آن هم می‌زیاد دیدم. اتفاقا خانواده‌ها خیلی می‌این نسل بیشتر آنها را با یگار حاتم‌ی گپا، هم روبرو برتسویی است و هم نیست. دوره جنگ گذشته، قهرمان را یاد یگار هنوز دارند. یاد یگار به‌پهانه‌ای است و تمام دانشمندان جوانی

**به‌وقت‌شاه**

وقی که می‌بینم (با بازی بابک حمیدیان) در آن لحظات آخر فیلم «به‌وقت‌شاه» شروع کرده‌است خاج دادن همه کسانی که در هواپیما بودند تا بتوانند قبل از انفجار، از اسامع از هواپیما خارج شوند. خیلی‌ها منتظر بودند تا خوش‌هم آخرین نفر از هواپیما بیرون برود. اما او هدایت هواپیما به‌بندت گرفت تا داخل مدرسه سقوط کند و هواپیما را در آسمان منفجر کرد. او قهرمانی بود که با وجود همه باقت‌ها‌ها به خانواده و سرسی که تازه به دنیا آمده بود، از خود خوش را فد کرد. قیقا، کلاسیک‌ها هم در این سال‌ها در سوره جنگیده‌اند و با وجود همه لیدستیکی‌هایی که دارند، اما باز هم رفتند و در این راه جان‌شان را فدا کردند. آنچه می‌فکند این فیلم سینمایی جدید درمورد نظر مخاطبان خارجی در سوره و عراق نیست به این فیلم و فداکاری‌ای که قهرمان فیلم دارد، گفته‌است: «اگران این فیلم در سینمای کشورهای عراق و سوره و سوره‌های شراهی آنها که سینما داند، داشته‌است استقبال بی‌اندام مردم این کشور بوده‌است و بسیاری از آنها با دیدن این فیلم شگفت‌زده شده‌اند و بسیاری از خانواده‌های شهید را در این دو کشور به این موضوع اذعان می‌کردند که بودند تمام کلام‌تیر این‌ها است که به‌حال در ارتباط با این موضوع تولید شده‌است و نشان می‌دهد که قربان‌های ایامی است که جوانان ما این حفظ نامیت ارضی آنها از جان‌شان می‌گذرند.»

**بایگ‌دار**

قهرمان را یاد یگار حاتم‌ی گپا، هم روبرو برتسویی است و هم نیست. دوره جنگ گذشته، قهرمان را یاد یگار هنوز دارند. یاد یگار به‌پهانه‌ای است و تمام دانشمندان جوانی

**پیش‌تازهای مدیر موسسه «تصویر شهر» برای باز شدن سینماها**

هاشم میرزاخانی، مدیرعامل موسسه تصویر شهر در برنامه شهرهای شکر خبر، گفت: «سینماها در جریان فرهنگ و هنر به‌عنوان اولین مدافعان از همان روزهای اولیه انتشار کرونا به میدان آمدند و از اوایل اکتفد فعالیت خود را قطع کردند، تمامی سالن‌ها را بستند و تجمع مردم محدود کردید و در کنار وزارت بهداشت، مراکز و آموزش پزشکی برای کنترل این بسیاری لیدک گفتند، چرا که نقش فعالیت‌های فرهنگی و هنری برای این است که روح و روان مردم در آسایش باشد. بنابراین قطعاً برای افشار هنرمند و صنوف مختلف سینمایی و فرهنگی و هنری این مقوله بسیار مهم است. خدا شکر می‌کند که کشور ما توانست در این مقوله گریز ریزن دیگری را به فعالیت‌های خود اضافه کند و توانست تا حدی این پروسی منسوح را کنترل کرده و شرایطی را ایجاد کند که آن فرهنگ و هنری که شاهد بودیم در حوزه‌های مختلف جمع می‌شود، ادامه پیدا کند. هیچ قابلیت کنترل فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و تفریحی را نداشتند. آرمان لوزما به نسل ما نیست که ما می‌خواهیم از تابید با‌دانی کنیم، اکنون پروازهای هواپیمایی برقرار است، مترها مملو از جمعیت است و فقط سالن‌های سینما و تئاتر بسته‌است. در حالی که سینماها تنها جایی است که فعالیت‌های فرهنگی را دارد و ما به‌راحتی می‌توانیم فاصله اجتماعی را کنترل کنیم. در این مدت ما پیش‌تازها را اندازی سالن‌های رها و زمین‌های را برای ایام باستان با سازمان سینمایی مطرح کردیم، طرحی «سینما ماشین» به‌الته چندان برای مردم جذابیت نداشت، اما به‌رحال در نوع خود حرکتی است. به نظر من با سینمای روزمانی توانیم حداقل در باستان یک کام مثبت برداریم. اگر قرار است یک سال بشینیم، قطعاً اتفاقا عجیب و غریبی هم در حوزه اقتصادمان رخ خواهد داد. به‌رحال هنر با اقتصاد آینده‌تر بوده‌اند که این فیلم را برساند. کارگردان این فیلم ساخته و منتشر شد، در صفحه شخصی خود نوشت که بسیاری از ایرانیان از اینکه این فیلم را ساخته‌ام، لذت‌مند و بی‌انتقاد دارند. اما مبتدیان ساخت فیلم نظر هر دوی‌تد است که همه عالم او را قبول دارند.

### خریداری فیلم‌های ایرانی تو می‌رسی توسط ابر کا



حق پخش فیلم سینمایی «تومیریس» محصول کشور قزاقستان توسط آمریکا خریداری شده‌است. کمپانی‌های سینمایی غربی در سال‌های اخیر فعالیت‌های زیادی را در حوزه ایران هراسی و تصفیع تاریخ و فرهنگ ایرانی انجام داده‌اند و یکی از این‌سری‌سگردهای آنان ساخت فیلم‌های تاریخی بوده‌است. هر چند مطرح و مهم آن فیلم ۲۰۰ بود. اما فعالیت‌هایی از این قبیل تنها در استودیوهای کالیفرنیا و هالیوود ادامه پیدا نکرد بلکه در سوئال قبل در استودیوهای آلمانی قزاقستان فیلم عملی دیگری با عنوان تومیریس ساخته شد که در آن شرکت تومیریس علیه کشورش و شکست آن به تصویر کشیده‌شده‌است. این فیلم را برساند روایت هرودوت، مورخ یونانی سائند. کارگردان این فیلم ساخته و منتشر شد، در صفحه رسمی جبهه قزاقستان یعنی این‌طریق‌ای ساخته‌شده‌است که برخی رسانه‌های قزاقستانی روی‌ریه‌ای و تیزرهای فو‌ع‌ادلی تهیه کردند. همین‌طور برخی منتقدان سینمایی قزاقستان مانند تولدولین بلیزکینوف، خبرنگار و منتقد فیلم‌م‌سند که در این فیلم به‌دویتی تبلیغاتی بسیار گزاف برای کارزار انتخابی دروغ‌ناظرایی فیلم جبهه قزاقستان است. خلا ورتینی این خبر منتشر کرده که شرکت سینمایی WellGo حق توزیع فیلم سینمایی تومیریس را خریداری کرده‌است. این فیلم محصول استودیوهای قزاقستانی و ساق‌فایلم شرکت سینمایی واقع در آلمانی قزاقستان است. به‌باور برخی مورخان این پادشاه توانست کشورش را در جنگی شکست دهد. آگان سالیف این فیلم را کارگردانی کرده‌است که در این کشور آگان شد و عنوان یکی از پرخرج‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمایی این کشور عنوان شد. گری همیلون، مدیر شرکت آکالیت هالیوودی از اینکه فیلمی ضدایرانی را خریداری کرده گفته‌با خوشحالی در دخایی زندگی می‌کنم که هنوز میل طبیعی برای داستان واقعی زندگی زنان قزاق‌رمنند وجود دارد، زمانی که داستان‌ها باید گفته شود. درباره روایت تاریخی فیلم حرف و حدیث بسیار است، اما آنچه مشخص‌است داستان‌نگاران این فیلم در تلاش بوده‌اند که این فیلم را برساند روایت کشورشان را به تصویر بکشند. کارگردان این فیلم ساخته و منتشر شد، در صفحه شخصی خود نوشت که بسیاری از ایرانیان از اینکه این فیلم را ساخته‌ام، لذت‌مند و بی‌انتقاد دارند. اما مبتدیان ساخت فیلم نظر هر دوی‌تد است که همه عالم او را قبول دارند.